

شرح رساله حقوق

عرض کردیم امام سجاد (علیه السلام) دو حق برای نماز برشمردند. اولین حق نماز که دو جلسه گذشته درباره آن سخن گفتیم، شناخت و معرفت نماز است: «أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ»، «وفاده» یعنی مهمانی خدا؛ درگاه ورود به سوی خداوند؛ پله رسیدن به خدا. درباره حقیقت نماز اجمالاً مطالبی را بیان کرده‌ایم.

حق دوم نماز «و انک قائم بها بین یدی الله»

حق دوم این است که شما بدانید در مقابل خدا ایستاده‌اید. حق اول شناخت حقیقت نماز بود، حق دوم این است که تو در برابر خدا ایستاده‌ای: «و انک قائم بها بین یدی الله» به واسطه نماز تو در پیشگاه خداوند ایستاده‌ای و قرار گرفته‌ای. بعد یک نتایج و آثاری را ذکر می‌کند.

حالا این که انسان در برابر خدا ایستاده، چرا به عنوان یک حق ذکر شده؟ ما که معتقدیم همه این عالم محضر خداست. ما اصلاً در این عالم که زندگی می‌کنیم در حضور رب العالمین هستیم. همه اعمال، رفتار، حرکات و سکنت ما در محضر پروردگار است، و کسی که این حقیقت را دریابد که این عالم محضر خداست و ما در برابر حق تعالی قرار داریم، به سعادت خواهد رسید.

سوال این است که با اینکه همه این عالم و زندگی ما و رفتار ما، سکنت ما در برابر خداست، چرا اینجا می‌گوید: «و انک قائم بها بین یدی الله» این چه می‌خواهد بگوید؟ درک معرفت حضور خداوند را پیامبران، انبیا، و اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام داشته‌اند. آنها که در همه حالات ذکر داشته‌اند، توجه داشته‌اند خودشان را در حضور خداوند می‌دیده‌اند. مگر غیر از این است؟ آنها که به طور کلی همه وجودشان توجه به خداوند و بندگی بود، اما همانها هم در مورد نماز می‌گویند: «و انک قائم بها بین یدی الله» ما با نماز در مقابل خدا، در پیشگاه خدا ایستاده‌ایم. این یعنی چه؟ یعنی ما بدانیم نماز مجموعه‌ای از اذکار و اوراد و افعال است که ما به سبب آن در پیشگاه خدا قرار می‌گیریم. این معلوم می‌شود یک موقعیت خاص است. این غیر از آن توجهات و تذکرات در طول روز است. یعنی حتی آن کسی هم که از اولیای خدا باشد، مثل ائمه معصومین و پیامبران که دائم الذکرند و توجه به حضرت حق تعالی دارند، اما برای آنها هم نماز یک جایگاه خاصی دارد. نماز را به عنوان یک کاری می‌دانند که موجب توجه تام به خداوند تبارک و تعالی است. این چه حکمتی دارد؟ مگر خداوند نماز را چه عبادتی می‌داند و چه عبادتی قرار داده که متفاوت از همه اعمال و رفتار و مناسک دیگر است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به ابوذر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبِيبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَإِلَى الظَّمآنِ الْمَاءَ؛ فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ» می‌فرماید: «ای اباذر، خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داد و آن را نزد من محبوب و دوست‌داشتنی قرار داد، همانطور که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب قرار داد، با این تفاوت که انسان گرسنه با خوردن غذا سیر می‌شود و تشنه با نوشیدن آب سیراب می‌شود، اما من از نماز سیر نمی‌شوم». این خیلی عجیب است. این نشان می‌دهد که وقتی می‌گوید «أَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ»، این به چه معناست؟ این که پیامبر می‌فرماید: «من از نماز سیر نمی‌شوم». پیامبری که دائم الذکر است، تام التوجه است، مسئله بسیار مهمی است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا اعرف شیئاً بعد المعرفة بالله افضل من الصلاة»^۱. می‌گوید: «من هیچ چیزی را بعد از معرفت به خداوند برتر و بالاتر از نماز نمی‌دانم».

من خیلی کوتاه این را عرض کنم که به طور کلی نماز در هیاهوی زندگی وسیله و ابزار توجه تام به خداوند است. ما در طول روز به اقتضای زندگی طبیعی، اشتغالاتی داریم؛ ذهن ما مشغول به اموری می‌شود؛ نیازهای طبیعی داریم؛ باید برای رفع این نیازها تلاش کنیم. در عالم ماده زندگی می‌کنیم، این اقتضای خاصی دارد و حضور و وجود ما در این عالم طبیعتاً در معرض راهزنی‌های بزرگی است که توجه ما را از ملکوت به ملک بازگرداند. حتی پیامبر خدا بالاخره نیاز به خواب دارد، نیاز به غذا دارد، نیازهای طبیعی دارد. و این به نظر او غفلت‌هایی را برای پیامبر ایجاد می‌کرد که خود پیامبر فرمود: «من هر روز ۷۰ بار استغفار می‌کنم».

در این کشاکش زندگی، خداوند اوقاتی را برای توجه تام و ذکر تام انسان قرار داده است. لذا این همه تأکید می‌شود که در نماز ذهن‌تان را به دنیا مشغول نکنید. اینکه رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»^۲. یعنی کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن شائبه‌ای از شائبه‌های دنیا نباشد، چیزی به دل او از دنیا خطور نکند، خداوند همه گذشته او را می‌بخشد. این برای این است که نماز در قله است که ذهن انسان را به طور تام می‌تواند به خداوند متوجه کند.

اینکه می‌فرماید: «و انک قائم بها بین یدی الله» یعنی نماز مجموعه‌ای از اذکار و اعمال و اوراد و افعالی است که شما می‌توانید با آن، به این قله برسید. و این حق نماز بر توست که بدانی اختصاصاً در مقابل خدا ایستاده‌ای. این یک ایستادن خاص است، یک موقعیت خاص است، یک باریابی خاص است، یک اجازه تشریف خاص است. مثل اینکه به انسانی اجازه بدهند به محضر یک بزرگی و امیری و سلطانی اختصاصاً شرفیاب شود. اگر یک وقت اختصاصی برای انسان قرار بدهند برای باریابی و تشریف محضر یک بزرگ، انسان سر از پا نمی‌شناسد؛ مقدمات بسیاری فراهم می‌کند، به خودش می‌بالد و دائماً در سرور است برای اینکه می‌خواهد لحظاتی به محضر یک قدرتمند، یک ثروتمند برسد. حالا خداوند قدرت مطلق و ثروت مطلق و جمال مطلق و همه چیز است. این یک باریابی خاص است. لذا هرچه توجه تام تر و هرچه ذکر کامل‌تر، ثمراتش بیشتر است. خداوند این فرصت را برای انسان قرار داده است. این حق نماز است که ما باید رعایت کنیم. اول نماز را بشناسیم، بعد بدانیم نماز در واقع قالبی است برای ایستادن در برابر خداوند؛ «و انک قائم بها بین یدی الله» خداوند به ما توفیق بدهد بتوانیم حالا به این مقدار که نه، ماها خیلی فاصله داریم با این نمازها اما بالاخره به مرتبه‌ای از این مراتب دست پیدا کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ دعای الاسلام، جلد یک، صفحه ۱۳۳.

^۲ محجة البیضاء، جلد ۱، صفحه ۴۹.